

توفیق عوض قلی اف^۱

جهانی شدن از نقطه نظر ادغام اقتصاد جهانی حادثه‌ای مثبت است. در عین حال جنبش ضدجهانی شدن در حال گسترش می‌باشد. این جنبش منبث از فشارهای غیرعادلانه تعدادی از کشورهای ابرقدرت و چندین سازمان بین‌المللی و شرکتهای فراملیتی بر اقتصاد منطقه‌ای و ملی است. در شرایطی این چنین مشکل امنیت انرژی تعداد زیادی از کشورها در بازار انرژی جهانی به‌ویژه در آسیا و منطقه قفقاز اولویت می‌یابد. جنبه‌های اصلی این مشکل عبارتند از: شکل‌گیری و توسعه بازار منابع انرژی و سوخت و فرضی کردن یک روند بر آن در سراسر جهان و هدایت این روند بر مبنای علمی، تحلیل نظام‌مند همه عوامل اقتصادی، سیاسی، نظامی، ژئوپلیتیک، منطقه‌ای، جهانی و غیره، مشکلات انحصارطلبی در حوزه سوخت و انرژی، بازار انرژی، روابط اقتصادی - ستی و غیرستی، قرابت جغرافیایی ساختار منابع انرژی صادراتی و موازنه سوخت - انرژی در بین مناطق، مشکلات تولید، گسترش، حمل و نقل و رقابتهای مربوط به گاز طبیعی، ایجاد و توسعه مجتمع‌های نفت و گاز، حمل و نقل آنها، مصرف داخلی و خارجی، شکل‌گیری و گسترش کامل زیرساخت انرژی، مشکلات امنیت زیست محیطی و جمعیت‌شناسی، انطباق دستورالعمل‌ها با استانداردهای بین‌المللی و منطقه‌ای می‌باشند. تمام موارد فوق مؤید این نکته است که امنیت انرژی یکی از مهمترین معضلات برای هر کشوری بوده و ارتباط مستقیم با سایر ابعاد امنیتی دارد.

در شرایط فعلی جهانی شدن یک فرآیند در حال شتاب است. روند جهانی شدن موضوعی برای بحث‌های علمی در همه زمینه‌ها، از جمله علوم اقتصادی شده است. روند مذکور دارای اهمیت عملی نیز می‌باشد. در حال حاضر در کل جهان در این مورد هم می‌نویسند و هم صحبت می‌کنند. ولیکن با این وجود، طبق ارزیابی دانشمندان، این روند همچنان با اصول و قوانین قدیمی مطرح می‌شود. ما معتقدیم که اطلاع رسانی مهمترین شرط در همگرایی و یکپارچگی اقتصاد جهانی می‌باشد. از نقطه نظر ادغام اقتصاد جهانی، جهانی شدن حادثه‌ای مثبت ارزیابی می‌شود. در

۱. توفیق عوض قلی اف استاد دانشگاه دولتی اقتصاد آذربایجان است. این مقاله توسط خانم پروین معظمی‌گودرزی از روسی به فارسی ترجمه شده است.

وضعیت کنونی جهان، واقعیت این است که برخی از کشورها مجبور هستند خود را با روندهای جهانی و اقتصاد جهانی وفق دهند. ولیکن این دمسازی بسیار سخت صورت می‌گیرد. در این کار عوامل داخلی و خارجی زیادی می‌توانند مؤثر باشند.

با وجود قسمت مثبت جهانی شدن، در حال حاضر در همه جهان، حتی در اروپا از سوی کشورهای توسعه یافته سرمایه‌داری، همچون آلمان و فرانسه، حساسیت خاصی نسبت به این مشکل احساس می‌شود. در این کشورها و همچنین در سایر کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه جنبشهای ضدجهانی شدن در حال گسترش می‌باشد. چرا چنین اتفاقی باید رخ دهد؟ زیرا این پدیده یک طرفه است و در واقع فشارهای غیرعادلانه تعدادی از کشورهای ابرقدرت و چندین سازمان بین‌المللی و شرکتهای فراملیتی بر اقتصاد منطقه‌ای و ملی است که بدون در نظر گرفتن منافع سایر کشورها به پیش می‌رود. بنابراین به عنوان یک پدیده منفی بروز می‌نماید. البته اجرای قسمت مثبت و مؤثر جهانی شدن اقتصاد با موانعی همچون گمرک، موانع مختلف در صادرات و واردات، سقوط ارز ملی، که بیشتر از سوی سازمانهای بین‌المللی اقتصادی، از جمله صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، سازمانهای بازرگانی جهانی و ... می‌باشد روبرو است. همه این عوامل عملاً موجب تضعیف روحیه و تمایل مثبت کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته نسبت به جهانی شدن اقتصاد می‌شود. به همین دلیل ساختار جهانی شدن و تغییر ساختار در زمینه اقتصاد جهانی با هدف تغییر روحیه منفی مردم نسبت به جهانی شدن، باید بسیار آرام و با ملایمت صورت گیرد و شرایط مناسبی برای همگرایی این کشورها ایجاد نماید. جهانی شدن در عین حال عواقب مهلک دیگری همچون: گسترش جرم و جنایت جهانی، حاکمیت دیکتاتوری نخبگان، واگرایی و ... دارد. در اینجا یک پارادوکس (نقیضه) نیز وجود دارد و آن اینکه: جهانی شدن برای همگرایی به وجود آمده است ولی مولد واگرایی است. اینگونه جهانی شدن می‌تواند به‌طور کلی تهدیدی نه‌تنها برای جامعه بشری، بلکه برای خود جنایتکاران نیز به حساب آید. متأسفانه مراکز علمی - استراتژیکی در کشورهای پیشرفته، همیشه مشکلات را مغرضانه پیگیری کرده‌اند. در حال حاضر روحیه بدبینانه نسبت به جهانی شدن نه‌تنها در میان مردم معمولی، بلکه در میان دانشمندان مختلف نیز وجود دارد. برخی دانشمندان می‌نویسند جهانی شدن یعنی پایان تاریخ. ما معتقدیم که ساختار و ابعاد جهانی شدن را باید اصلاح کرد و تنها به

طرف مثبت آن اندیشید. بنابراین پدیده جهانی شدن باید در جهت حل مشکلات موفقیت آمیز ملی و جهانی سازماندهی شود، نه در راستای تخریب اقتصاد ملی. در یک کلام جهانی شدن باید بر اصول علمی تکیه داشته باشد و تنها از اصول همگرایی سرچشمه گیرد و نه بر اساس تخیلات و رویاها باشد. ولی این پدیده مثبت چگونه به جود می آید؟ البته ایجاد این پدیده فقط در حرف و سخن عملی نمی گردد. تبلیغ همگرایی، ایجاد اتحادیه های بین المللی پول، همگرایی در بازار محصولات نفتی و کشاورزی می تواند راهگشای این امر باشد. این یک ایده متمدن برای جهانی شدن می باشد که باید بر اصول روشنگرانه و در نظر گرفتن منافع اکثریت تکیه داشته باشد. همانا چنین جهانی شدن می تواند بسیار مؤثر و غنی عمل نماید. البته در اینجا عوامل داخلی هر کشور به ویژه پتانسیل صادرات آن، نقش مهمی را ایفا می نماید. پتانسیل صادرات متضمن ادغام بهترین پتانسیلهای محصولات استخراجی و تبدیلی است و تنها بر منابع مواد خام متکی نمی باشد. متأسفانه در کشورهای پس از شوروی، مواد خام نقش اساسی را در توسعه اقتصاد این کشورها دارد. به عنوان نمونه در روسیه نزدیک به ۴۰٪ صادرات، ۶۰٪ ارزهای دریافتی و ۲۰٪ تولید ناخالص داخلی از بخش رشته های نفتی - گازی و استخراجی است. در اقتصاد آذربایجان سهم نفت و فرآورده های نفتی ۹۰٪ می باشد و درآمدها و مالیاتهای ناشی از نفت جایگاه مهمی را در مالیاتهای دریافتی به بودجه دولت را به خود اختصاص داده اند. من شخصاً مخالف بهره برداری های فشرده و زیاد از ذخایر زیرزمینی، نفت و معادن هستم. در این رابطه به عنوان نمونه می توان از آمریکا نام برد. در دهه هفتاد قرن گذشته، ایالات متحده آمریکا، برای حفظ ذخایر موجود خود برای سالهای آینده، در بهره برداری از معادن نفتی کشور وقفه ایجاد کرد. به همین دلیل آمریکا عمدتاً کشور را از وابستگی به واردات مواد خام و انرژی از سایر کشورها رها نمود و توانست کنترل دولت بر بازار داخلی مواد خام و انرژی را به مرحله اجرا درآورد. بدین ترتیب دولت آمریکا، سیاست خود را در جهت منابع و مواد خام خارجی جهت گیری نمود. با وجود اینکه در کشور خودش می توانست با روشهای ارزان نفت استخراج نماید و نیاز داخلی خود را با قیمتهای بسیار پایین برطرف نماید. البته در چارچوب این استراتژی، آمریکا دلایل مختلفی همچون: استراتژی اقتصاد خارجی، خروج از به اصطلاح بحران مواد خام و انرژی با توجه به موقعیت روز و جهان، مطرح می نمود.

آذربایجان افتخار دارد که از منابع انرژی خود استفاده کامل می‌کند. در حال حاضر کشور ما دارای بیست و دو توافقنامه با ۳۳ شرکت نفتی جهان از ۱۵ کشور جهت اکتشاف و بهره‌برداری از معادن، نفت و گاز می‌باشد. این امر باعث توسعه مؤثر تولیدات نفتی آذربایجان و اجرای موفقیت‌آمیز پروژه‌های مختلف جهت ورود نفت این جمهوری به بازار اروپا می‌شود.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی دریای خزر نه تنها چهار راه منافع برای روسیه، ایران، آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان شد، بلکه بسیاری از کشورهای پیشرفته، از جمله ایالات متحده آمریکا را نیز در بر گرفت. بنابراین در بهره‌برداری از منابع انرژی خزر، اولین وظیفه توجه به منافع کشورهای ساحلی خزر، عدم اجازه به تیره شدن حسن همجواری میان این کشورها و بد شدن روابط اقتصادی بین این کشورهاست.

در تأمین امنیت انرژی، صلح و ثبات، نقش مهمی را در کل جهان، به ویژه در آسیا، آفریقا، کشورهای حوزه خلیج فارس و همچنین در قفقاز، ایفا می‌نماید. اقتصاد قفقاز، از جمله شمال و جنوب آن هنوز درگیر جنگ است. جنگ امکان مطالعه دقیق و حساب شده بر روی برنامه همگرایی اقتصادی را سلب می‌کند. بدیهی است که هم شمال و هم جنوب قفقاز دارای صنایع خوب، اقتصاد و پتانسیل طبیعی از جمله پتانسیل ذخایر زیرزمینی هستند. این کشورها باید در مورد حل مناقشات میان خود و روسیه و بهره‌برداری از مدل‌های مفید دوجانبه همکاری منطقه‌ای بیشتر بیاندیشند. در اینجا نقش مهمی را مواضع مثبت نه تنها همسایگان منطقه‌ای، همچون روسیه، ترکیه و ایران، بلکه همسایه فرامنطقه‌ای مانند آمریکا نیز، در جهت ثبات کل قفقاز، ایفا می‌نمایند. متأسفانه به دلایل مختلف و همچنین به دلیل مبارزه بخاطر منابع طبیعی خزر، هر بار در قفقاز اهرم‌های جدید مقابله ایجاد می‌گردد. در این منطقه امنیت ملی مشروط به امنیت نظامی است نه اقتصادی.

باید خاطر نشان ساخت که اوضاع و چگونگی وقایع مربوط به منابع انرژی، تنها توسط کشورهای استخراج‌کننده آنها مشخص نمی‌شود بلکه در این زمینه محافل بزرگی در چارچوب عامل ملی و فراملی دخالت دارند. در اینجا نقش مهمی را فعالیت‌های اوپک، سازمان‌های بازرگانی و مالی بین‌المللی ایفا می‌نمایند، که متأسفانه همیشه مثبت نیستند. به همین دلیل منافع ژئوپلیتیک جهانی و منافع منطقه‌ای همیشه با همدیگر یکسان نیستند. در چنین شرایطی

خواهناخواه مقابله و درگیری‌های شدید حتی به صورت ژئوپلیتیک میان کشورها به وجود می‌آید. به عنوان نمونه می‌توان از مشکلات منابع انرژی پیرامون خزر و یا خارج از خزر مانند عراق و ایران نام برد. در منطقه خزر، بهره‌برداری از ذخایر با ارزش نفت و گاز مشکلات سیاسی را ایجاد می‌نماید. همانطور که بدیهی است موضع متفاوت کشورهای حاشیه‌ای و رژیم حقوقی خزر و تقسیم آن به بخشهای ملی، یکی دیگر از مشکلات منطقه است. روزنامه تراوسیمیا گازتا در ۲۱ ژوئن سال ۲۰۰۳ در این مورد نوشت که هنگام امضای توافقنامه میان روسیه، قزاقستان و آذربایجان تصمیم گرفته شد که روسیه ۱۹٪ از بستر خزر، قزاقستان ۲۹٪، آذربایجان در حدود ۱۸-۱۹٪ را به خود اختصاص دهند و ۲۰٪ بقیه فعلاً تقسیم نشود. چنین عملی ممکن است تبدیل به مقابله همسایگان هم‌پیمان علیه آذربایجان شود.

در تشدید اختلافات در مناطق استخراج نفت، تنظیم صادرات نفت میان تأمین‌کنندگان مواد خام و دستیابی به بازار محصولات نفتی، نقشی منفی را ایفا می‌نماید. در شرایط کنونی کشورهای استخراج‌کننده نفت و گاز، عملاً تأمین‌کننده فرآورده‌های این منابع نیستند. در این قسمت اوپک نقش مهمی را بازی می‌کند. کار اوپک نه تنها صدور و انتقال نفت می‌باشد، بلکه میزان استخراج را نیز تعیین می‌کند و همچنین بازار نفت را نیز مشخص می‌کند. البته این موضوع تا اندازه‌ای نیز به منابع نفتی کشورها آسیب می‌رساند.

در عوامل مذکور به‌طور کلی صحبت در مورد امنیت انرژی است که برای همه کشورها، به‌ویژه آسیا و کشورهای خلیج فارس بسیار مهم و حیاتی است. باید خاطر نشان ساخت که استخراج نفت در آینده در خلیج فارس به حجم بسیار بالایی خواهد رسید. در نفت خلیج فارس، نه تنها آمریکا، بلکه حتی چین، ژاپن، کره جنوبی و هند نیز ذینفع می‌باشند. به همین دلیل امنیت انرژی و اقتصادی کشورهای آسیایی در آینده اهمیت بیشتری پیدا خواهد کرد. کشورهای خلیج فارس، در درجه اول ایران، تلاش می‌کنند سیستم واحد انرژی تشکیل دهند. زیرا در چنین شرایطی است که منطقه خلیج فارس می‌تواند به بزرگترین مرکز انرژی در جهان تبدیل شود.

در این راستا، استراتژی انرژی هر یک از کشورها و مناطق باید مستقل باشد و دیگران به‌وجود آن احترام بگذارند. همزمان وجود این استراتژی می‌تواند شرایطی جهت همگرایی

مطلوب اقتصادی در سطح جهان ایجاد نماید. استراتژی انرژی، طبیعتاً با مشکلاتی همچون تولید نفت، انتخاب جهت احداث خط لوله، تعرفه‌های انرژی تولید برق، کنترل بر قیمت‌های منطقه‌ای و روبرو خواهد بود. ولی در شرایط فعلی مشکل مهمتری که وجود دارد امنیت انرژی است. لذا هر یک از کشورهای آسیایی و قفقاز که ذینفع در امنیت انرژی هستند باید جهت رفع موانع بازار انرژی و منابع انرژی - حرارتی، جهت‌گیری‌های اساسی نمایند.

در اینجا لازم است که کلیه موارد مناقشه (نظامی، اقتصادی، ژئوپلیتیکی، منطقه‌ای و جهانی) مؤثر بر اوضاع را مورد بررسی قرار داد. آینده‌نگری و پیش‌بینی اوضاع دارای نقش مهمی است. برای رفع این معضلات نه تنها باید استانداردهای بین‌المللی را رعایت کرد، بلکه مقررات و قوانین منطقه‌ای را نیز باید در نظر داشت. دلیل این کار هم این می‌باشد که استانداردهای بین‌المللی به منافع اقتصادی و امنیت منطقه‌ای لطمه‌ای وارد نسازد. جهت تأمین امنیت انرژی، همچنین باید مجموعه نفت و گاز، مصرف داخلی و خارجی آنها و تعیین میزان مصرف فرآورده‌های نفتی، ثبات در صادرات و واردات این منابع و تهیه مدل‌های علمی (تولید - انتقال - تهیه و اجرا) را مورد بررسی قرار داد. در اینجا توسعه پایه و اساس انرژی، گسترش امنیت اقتصادی، پراکندگی جمعیت در دریای خزر و خلیج فارس و همچنین ساکنین کشورهای ساحلی، نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. استخراج نفت تا مرز ۱۵۰-۱۰۰ میلیون تن در سال توسط کشورهای ساحلی می‌تواند در آینده‌ای نزدیک، حدود ۱۵-۱۰ سال بعد، دریا را کاملاً آلوده نماید، به طوری که به آلوده‌ترین دریاها که موجب افزایش بیماری‌های مختلف و خطرناک برای مردم این مناطق می‌شود، تبدیل گردد. امنیت انرژی نه تنها مربوط به تکنیک و تکنولوژی است، بلکه فرهنگی و اخلاقی نیز می‌باشد. متأسفانه همانطور که در ابتدا گفته شد، پدیده جهان شمولی کنونی، ویژگی‌های اخلاقی، فرهنگی و نژادی میان کشورهای مختلف را تخریب نموده است. این پدیده عملاً موجب توسعه افراط‌گرایی، از جمله افراط‌گرایی و خودکامگی اقتصادی می‌شود. به همین دلیل زمان، زمان اندیشیدن به موازین اخلاقی جهانی است.